

ذیرسانی برنا حل نشد، بر صبی خواهر اند. "کتابهای ثانوی" برنا تقریباً به بیان اندازه مترانه قدرتمند است که زهی لوزه
 اولیه بود. افزون بر آن، اهمیت این انقباضات محدود به آنجا نمی شود که اول اتفاق افتاد. بر همین دلیل است که انقباض کبک ۱۷۸۹
 فرانسه، زنتیا ابروی شامه که تمام اروپا را کتان داد. دهی امروز با گذشت ۲۱۰ سال، آن انقباض هنوز از بسیاری جهات
 بجا بودن در ربط تاریخی خود را حفظ کرده است چرا که خواستهای مطرح شده در آن هنوز تحقق نیافته باقی مانده اند. آیا چه بر سر خواستهای
 چون آزادی، برادری و برابری رفت؟ چنین خواستهایی یا از بین رفته اند یا از جایگاههای خود در مقام جدیدی در دنیای امروز و به
 درسی بدل گردیده اند. در واقع به مناسبت در دسترس مانده این انقباضات، سیاستمداران عالم مقام جدیدی در دنیای امروز و به
 آنکه جسی شرم گفته با احترام از جبهه نطق آتشین با امارت تاجر علیه انقباض کبک فرانسه شکست ناپذیری انقباض خرداد گوش فراداده
 خاک سپاری مجله های انقباض کبک فرانسه، نشانی حقیقت و تعب سیاسی آنرا به دست گردانیدند که چنین معنیست. گوش
 در خاک سپاری انقباض کبک فرانسه، صرفاً به این بیند که در سال پیش در عهد آنگ که اتفاق افتاد، به بیان اندازه نشانی حقیقت و تعب سیاسی است
 انقباض کبک، بنفردی بود با ایران که سوسیالیستی که نمون آن را از عهدی تاریخ بخورند. کتابهای کبک ^{ثانوی} که در این شالی بر پاشی جمهوری شورایی
 به ایران در سال ۱۹۱۹، شورش های ایران در سالهای پس از انقباض اول؛ انقباض سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹، چین، انقباض ۱۹۴۷
 کوبا، مبارزات آزادی بخش هند استواری در ارتقا، جنبش شرق آسیا و مبارزات مردم ویتنام در استواری پرورنده در برابر قدرت
 ایالات متحده و جنبش تجار گراندها علیه آن کشور بود. فراموش نکنیم که سال در چین بنام چین سالگرد پرورنده انقباض خود و زمانی
 از سیره خارجی راجش میگذرد. برغم برسی به لحاظ اقتصادی موجود در تمام این مناطق، آرزوهای سوسیالیستی که به نام جنبش کبک

۱۹۱۷ بود، از عهدی تاریخ قرن سیم زده شده اند.
 اگرچه به جنبش های زهی لوزه وار، از این منظر نگاه کنیم، تصویر قرن سیم بسیار مثبت تر از آنی خواهد بود که بسیاری
 بشناسی - عهدت پهنای که به بیان می pentite (توبی) خوانده میوند - میخوانند تو رسم می کنند. اینجی تجمعی، در گذشته

سنت شعری آریسم شعری بلور اهدانه گنجین از همین حرارت تاریخی بودند .

بلور صمد : با این ظاهر رفته باشیم که گذار از یک شکستگی اجتماعی - در حدود دوران ما گذار از سوسی باز تولید

رفت و ساز جهانی سرمایه - با بریل رادیکال [بلور ریشه ای تفاوت] این [که در شرایط محلی کمی بیش از اشداد سال بین
در این تاریخی ما چه پیدا کردیم ؟ فرایند غایت پیچیده و پیرامونی است که نه تنها انجام نمی دهد چیزی دارد بلکه چهار جنبه نشانی و در پشت
عمده ای نیز می گردد . هیچ شکستی اما هر چه هم عظیم و تراشیک باشد ، نمی تواند پاره های بنی و مزدهای را که در حقیقت در آن گنجانده

فشاری آوردند : از حیث بود
و اما در مورد " حاکمیت ^{جدایی} بازار " . در این مورد لازم است چند جمع و تقدیر عمده بعمل آید : (۱) - جهانی کردن

22 دقتی - برغم تمام حسن های پیروزی سرمایه داری - امنیت که نمی از جمعیت جهانی - شرایط موجودیت خود را طبق قوانین
" حاکمیت جهانی قوانین بازار " باز تولید نمی کند . به کثرت جمعیت عظیم منته نگاه کنید ، با همین از یک میلیارد از یک میلیارد و
دست و پناه میلیون مردم چینی . در چینی متوجه از جزا و سبک سرمایه داری صحبت کردیم که ما هم از کنترل دولت غیر سرمایه داری
چینی مستند - به این متوجه بخش عمده ای از دنیا ، جنوب شرقی آسیا (^{بازرگانی} بلورهای بیرون رسانی در اندونزی که با یک دوری بخار غیری
زادگی گفته در از این رو صحبت از حاکمیت قوانین بازار " نزد آنها چیزی بیش از یک شوخی زیر آبی نیست) . فراموش نکنیم که بخش

سبب حقیقی از امر طای لاتی نیز در این متوله می گویند .

حتی در روسیه ، ۱۵ سال پس از کوشش های بیگانه گریخت ، بازسازی سرمایه داری در این کشور - جز در شهرهای بزرگ
که در ترقی یافت - در دیگر جاها پشت رو برد شد . بیرون کارگر روسی ، با این کارگر و دستمزدی در پشت بندارند ؛
بسیار از آن ها می یکد و نم است که دستمزدی در پشت بندارند . حال شا بروناید و یک " اقتصاد بازار " را بدون پرداخت

دستزد بگردانید !

در تمام این حیات ، ما شاهد شکست تاریخی نظام سرمایه ای هستیم که قادر نیست خود را به شکل واقعی سرمایه داری پس در سطح جهانی

به کمال رساند. علاوه بر این سرمایه‌داری پیشرفته همراه با "حاکمیت قوانین بازار" خود، پیوسته در زمینه سرمایه‌داری
 جهان به کمال رسد، به حدی که دلیل بی‌برابری حقوقی تصورناپذیر است. از جهت ماهیت کم‌کم و تحمل‌ناپذیر فرایند توسعه سرمایه‌داری
 به محیط زیست که زمین (۲) - حتی در غلبه سرمایه‌داری نیز "حاکمیت قوانین بازار" این با وجود دفعات بی‌شماری
 به نظر قرار گیرد. سابقه پیش در شرق، شکست‌های سیاسی فراوان بود که بصورت پیش‌آهنگی از "زادبو ایرودان" بین
 مردم دان به دکان می‌گشت. یکی از این متفکرها به قرار زیر بود: "آیا این حقیقت دارد که روزی شاهد در میدان مسکو
 اتومبیل‌های لوکس امریکایی پیش می‌گشتند؟" جواب این بود: "آره زنی بی‌حرف صد در صد درسته خواهم شرط داشته باشم
 اولاً اتومبیل‌های امریکایی نیستند بلکه روسی است؛ ثانیاً اتومبیل‌های نیستند بلکه دوچرخه‌ها هستند؛ ثالثاً او نام و پیش‌نامی نمی‌کشد
 بلکه ازت می‌گیرند". شرط‌های از این قبیل که باید در مورد "حاکمیت قوانین بازار" در "تاریخ کابل" نیز قابل مشاهده است،
 آنگاه به سه دلیل: (الف)؛ ثالثاً هر یک فرایند پیش‌رونده بحضاری در تمام کشورهای سرمایه‌داری هستیم (بعضی‌ها می‌گویند که اینها را
 نه پیش‌برنده‌ی "حاکمیت قوانین بازار" بلکه دست‌برعکس‌شانند. نه تنها بحالت تسلط جویندگان قوانین بازار و گرایش به
 تصنیف این قوانین و در نهایت به حذف آن‌ها به معنوم دومی نگه‌اند). (ب)؛ ~~حکومت~~ "حاکمیت قوانین بازار"
 کوفی، همانا درگیری و در نهایت همین دولت در برقراری قوانین وسیع حمایتی است (از "سیاست عمومی دولت در"
 "تعمیرات" ^{حادثه} طرفه‌آورد سرمایه‌داری یعنی تصنیف حکومت بطور مجاز و در اختیار بحضاری می‌گذارد، تا منابع عمومی
 که به مجتمع‌های صنعتی تبدیل می‌گردد). (ج)؛ "قوانین سندن سرمایه‌داری فراموشی" بر پایه روابط قدرت غالب است که
 روابط اقتصادی را بطور سرسام‌آوری از روابط نوع بازار منصرف می‌کند. در کمال در جهت منافع ابر قدرت مسلط یعنی ایالات متحده است.
 داریت را پس وزیر کار سابق دولت کلینتون در بیان این امر می‌گوید: "ما سونالیسم قهاری شد" خود از کار بردن هیچ
 وسیله‌ای نمی‌تواند این خواسته است. حتی ترمیم خود را می‌گذارد. حتی بگیس، یعنی ای نزدیک‌تری متحد ایالات متحده، کشوری که خود

یک قدرت صفتی مستقل می آید ، مجبور به تعین یا برداشتن این ادب قدرت نیست نظامی و ضرورتاً میگردد . با حقیقت
 نیست که ایکن هرتز (H. Hertz) یکی از چهره های برجسته ترین معماران مخابرات تا چهره مجربش معیه پادشاهی آلمان گشت
 حالتی در آمریکا به زبان انگلیسی اند " مستقریت انتقالی تکنولوژی " قوانین حاکم امریکا ، کنترلی های بدون مرزی مخابرات
 سده از سوی پیمانگانی با حقیقت نگاره " و علیه " روانه شدن پدهای مکتون سوی ژوئیه ترین و قدرتمندترین معماران مخابرات مادی زین
 به طوری که اگر روزی با سبب و بارگونی ادو سبب به معنی به حقیقت اندازی تیرگی امریکا به پیشرفته ترین تکنولوژی (خواهش)
 بترجیح کند - گرچه همه معین معمول این واقعات را فقط در نظر استغناء خدا غلطی خود بر عاقلانست . نابری چنین سبب
 میرسد که رهبری سیاسی صفتی تا برونه امریکاییان ، از صفت تعیین خصوصیات "حاکمیت قوانین بازار" پیرودان مادر زاده
 حکمت "رادو ایرودان" مستند .

کالینس : آیا در سایه های آینه حیات برای تلفظ و تلفظ هم صفت ؟ نقش گوناگون بر بنا را چگونه تلفظ می کنند ؟ آیا ارتباطی
 میان تلفظ و صفت وجود دارد ؟

مزاروش : بله ، شاید بین این دو زمان دیگر . چرا که تولیدات مکرر - زینت و عادت (در حکام سرایه - گراسی به تجزیه ؟
 تخصص های بیشتر دارند و این سلسله زبان بزرگی به بعد جامع و فراگیر مسائل میزند . در حاکمیت تلفظ نمی تواند از پرده حقیقت به
 رمزینت جامع حقیقت پوئی کند . چنین سرعتهای ، صرفاً سبب اینگونه روش های غالب گزینش است ، را نادیده می گذرد ، نادیده نخواهند شد .
 یک عالم ایرونی که قدرتمند موجب این نادیده گرفتن است و این است که : نظام حاکم خود را بطور مطلق بی بدیل فرض می کند و
 فقط امکان (و مشروطیت) همه حاکم حاکم را می پذیرد و دوام پذیری یک طرفه ای جامع و فراگیر را بر نمی تابد .
 اگر با چنین دیدی سرافقت کند ، به معنی آن است که دست بگذرانی زده است .

چون از پیش ارجحیت داشته باشد

کامپیس

ناصحت از "سوسیالیسم یا بربریت" می‌کنید ، همچنان که کاستوریادیس در یک دوران دشمن تر این کار را می‌کرد .
با وجود اروپای سوسیال دموکرات "راه سوم" آن " در دوران "جوانی شدن سرمایه" ، آری فکر می‌کنید بجای برای شگون شدن

مجرد جیش ای قورده ای است ؟

زاروش

این حقیقت دارد که روزی بزرگاری ، کاستوریادیس را می‌تواند در چنگی دیگر محبوس داشته که "سوسیالیسم یا بربریت"
فراخه بیند . اما متأسفانه اینجا این پروژه را رد کرده و پس از مساکه با نظام حاکم - کارشان را به جابجایی کشید و مسئول حقیقت
تواریکانه یعنی بر عدم امکان بودن رفت از نظام موجود شده . بنیادهای که من از این طریق چشمپوشی بزرگوار می‌توانم بکنم بسیار فزونی دارد .
من در ستادی خود [ستادی که به کنفرانس در آن عهده شده و بعداً بصورت رساله کوچکی در آن] نشان داده‌ام که بر خلاف زمان بزرگوار می‌تواند
بجای که مفهوم خطرناک هنوز از نظر بعد زمانی نامشخص بود ، در زمان ما ، صحت ندارد تا آنجا که برای نخستین بار در سال 1848 توسط
مارکس (مؤلفه‌های شده) ، وضع اضطراری بر این شکل در اواسط قرن نوزدهم است .

با توجه به شیوه‌ای که گریخت در حال وقوع در دولت کوبا می‌باشد ، خود را به پشت پیش می‌کشد . بطور افسوس‌ناک در قبال تشخیصی
تیران گشت که برای توقف حقیقی اثرات ~~در اواسط~~ این تحول شاید بیش از حد دور - دستا نه قرن 21 - بیشتر وقت با ناهنجاری باشد .

شوپنر ، بنیادگذاران بزرگ لیبرال ، عادت داشت سرمایه‌داری را بعنوان نظام "ناجورگرا سازنده" توصیف کند . چنین توصیفی
در مورد سرمایه‌داری شکوفا شده نظام سرمایه در مجموع حقیقت است . امروز برعکس بر سرمایه‌داری سرمایه‌داری که بجای "ناجورگرا سازنده"
بطور برجسته خرابه‌تری با تولید نوع ناجورگرا سرمایه بهترین دستاویزی برهانگی در مورد استیم .

شامی پرسید : آیا در عصر جهانی شدن سرمایه و ده‌سایه "راه سوم" سوسیال دموکراسی اروپایی "آریا فکر می‌کنید جنبش‌های بزرگ
توان این پروژه‌ها را برای شکوفا می‌مجدد دارند ؟" از نظر من ، "راه سوم" چیزی جز یک خدایمانی با پایه در دفاع از نظام
غیرقانونی دفاع سرمایه نیست . جامعه شکوفا شده چون مارکس شلر نزدیک به یک قرن است پیش‌بینی ادغام طبقات با هم بصورت

معنای صفت "راه سوم" نظام سرمایه است

کافیس : در مورد جهانی شدن فریب چه فکری کنید ؟

مزاروش : "جهانی شدن فریب" بناچار پایه پای جهانی شدن سانی است - اقتصادی و سیاسی پیش می رود و همان تعداد در مورد آن نیز صادق است . نظام سرمایه ، نظامی است که در آن چهار ضلعیت را باید بار رخ های آن را به دوش کشند .

این "نظم جهانی" توسط روابط قدرت اقتصادی - جهانی و سیاسی غالب ، تعیین می گردد . به این مفهوم ، سرمایه جهانی شدن فریب را میتوان از اقتصادهای امپریالیسم معاصر جدا کرد . بر این ترتیب ، قدرت امپریالیستی غالب یعنی امریکا است به هر کاری که تواند میزند تا سيطرة (ژرمنی) فریبی خود را بر بقیه جهان محقق کند . طبیعتاً همه ی این کارها را بنام "دموکراسی" و "گروشی آزاد"

فرآورده های فریبی انجام می دهد . رابطه ی احوال قدرت منطقه در ابزار مادی "گروشی آزاد فریب" است که بر این پدیده دارد ؛ از شبکی توزیع بین (که مصروف است در هم آمیخته را با زور به دیگران تحمیل می کند) و امپراتوری است که ارتباط جهانی در آن لحاظ با راه دور و نا بهره گرفته تا نهادی ابداع شده به منظور دفاع از "حق مالکیت بر فخریات و کارهای فکری" متعلق به اصناف امریکایی .

پن باران ، قدرت های استعماری قبیم را از جهانی سال ۱۹۵۷ "شرکای کوچک امپریالیسم امریکا" خوانده بود . این توصیف در مفهوم جهانی شدن فریب " امروزه نیز نگاه صادق است . "شرکای کوچک" نیز ، تا آنجا که این کار با نقش فریبی آنها معجزانه شرکت کوکیترا است معجزه سازگار می دانند بسته گوش دارند امپریالیسم فریبی خود را به کشورهای کوچک تحمیل کند .

طبیعی است که همه ی این رویدادها ناراضی عمیق و گسترده ای در میان همه ی آنهایی بوجود می آورد که قربانی این بزرگی طلبی است . آینه از این لحاظ بناچار آماده ی برخورد و کشمکش های عمده ، برای با دفاع از حقوق خود فریب طلبی علیه سيطرة فریبی قدرتهای امپریالیستی خواهد بود . این فرایندها ، فرایندی دردناک است چرا که جهانی بود ، قویا منبع قدرت دارند نظر اقتصادی و سیاسی غالب خواهد بود .

کافیس : آیا دولت کورای منتقد در برابر جهانی شدن "پایع با اندازه کافی قانع کننده ای است ؟ آیا صلح "پاک زوی قوی"

در کاغذ از سوی عرب و ارامی پذیرید ؟

نزارش : خیر ، یا نه بودن از آب های توانایی جهان شدن " به دولت های کورهای مختلف با یکدیگر ^{مستوی} کاغذی طرح

کننده بی نیست . چرا که صاحب از یک فرایند ^{مستوی} کننده از اقتصاد می کشیم . " دولت های کورهای " نه تنها پذیرنده های صبر

از حیاتی شدن " نیست بلکه همین صبرانه ناپذیری از آن است . به همان گونه که ماراگزیری از سیاست نیست ، دولت های

کورهای راگزیری از حیاتی شدن ^{سرمایه های} کورهای نیست . این دولت ها جزایسته یا ناچارسته ^{سرمایه های} حسب توانایی نسبتی شان در نظام سلسله مراتب

حیاتی سرمایه ، فاصله در آن شرکت دارند . آنچه مهم است سناط درسته باشیم ^{سرمایه های} نیست که دولت های کورهای ، تکیس ^{سرمایه های} دهنده های فراگزیری خنار و مانده های سیاسی سرمایه ، در حقیقت معلومی

استند ، زیرا چیزی به عنوان دولت حیاتی نظام سرمایه به سوزم و قوی ^{سرمایه های} آن وجود خارجی ندارد . آنچه وجود دارد دولت های کورهای

منتهی است ، چه قوی باشد چه ضعیف . این مستند اقتصاد سوسیالیستی را به وجود می آورد که در دورانی ، بورژوا سکل حاد می بخشد ^{سرمایه های} .

چون با وجود آنکه خود حیاتی شدن سرمایه های فراغ ناشی از ^{سرمایه های} منتهی به آن سرمایه است و از این دو پیش از آنکه از پا در آید نمی توان

به کارش پایان داد ، راهی برای عقبه بر این اقتصاد وجود ندارد . ^{سرمایه های} پایداری ضعیف منتهی به چنین اوضاعی دردناک و وحشی است .

ما شیخ و حقیقت عاقلتر دروان کننده بوده ایم که هر چه شیخ ^{سرمایه های} کوشش یک دولت بزرگ برای عین شکستهای درونی خود با

گرددن بوده است . امروز ، ^{سرمایه های} بنگاه های که حیاتی شدن در اوج خود قرار دارد ، ضرورت همین جزایسته های قدرتمندتری دولت

سویان قدرت فائده را ^{سرمایه های} به دست می آید تا به تازگی به کار می رود (بودیم) در حقیقت

به همان اندازه سستی تر و وحشی تر است ، عظمت ناشی از آن نیز به همان اندازه عظیم و جهناک است . ^{سرمایه های} " جایزه بازمیم "

این منتهی ، رویاروی با یک اقتصاد حل نشده هستیم . ^{سرمایه های} اقتصاد میان حیاتی شدن سرمایه های فراغی از یکسو دولت های ملی از

سوی دیگر - اقتصاد که تنها با یک ^{سرمایه های} اثر ناتوانی حاصل سوسیالیستی قابل حل است . تأسیس به آن ، این اقتصاد حل نشده

چاره ای جز شسته گیری ندارد . ^{سرمایه های} در این سلسله پیش می آید امکان یک وجود فاجعه انگیز در یک منتهی ، در آینده ای نه چندان دور را

مجموعی آورد .

و اما در مورد نظریه "پاک سازی قومی" این یک مفهوم خشک است که حل ناپذیری نژاد منتهی به بی رویی در بین قومی را زیر حاکمیت نظام سرمایه نشان میدهد . این مسئله آنگاه که سود محدودی شود . باید خاطر آورد که ۲۷۰۰۰ نفر صرب نیز از نظر امریکاییان در کراژینا "پاک سازی قومی" شدند . در آن دوران نیز حدود صرب ۱۰۰۰ نفر - شاید بیش از ۲۰۰۰ نفر - از کاسود پاک سازی شده اند .

همچنین این مسائل دشوار است ، لزوم حاصل یک راه حل دوام پذیر ، بر مبنای برابری اصل و دقایق میان افراد و گروه های اجتماعی را می طلبد . ^{برابری} اصل و دقایق آنگاه با شیوهی کنترل اجتماعی سرمایه ، بطور خنثی نامساعد است .

کافیست : در باره سیاست های سازمان ملی برای حقوق بشر چه نگرانی کنید ؟

نزاروش : کارنامه عمل سازمان ملی از جهت حقوق بشر بطور دردمانی بدست و این مسئله قابل مذمت است - هر چه توصیه نزاروش چون سازمان ملی زیر سیطره ایالات متحده یعنی کشوری بوده است که در سراسر جهان در موارد بی شماری حقوق بشر را زیر پا گذاشته است . کارنامه ناقص خشک حقوق بشر ، از فیلیپین در مستعمراتی این قرن گذشته تا حکومت استبداد نازی در آلمان و بعد از جنگ ، از تجاوز به گواتمالا گرفته تا جمهوری دیکتاتور و بیگانه ایالات متحده (گرفته تا محفل رژیم های دیکتاتوری اندونزی (با قتل عام ۵۰۰ هزار نفر در جریان ضد انقلاب سوارتو با پشتیبانی ایالات متحده) گرفته تا محفل رژیم های دیکتاتوری در امریکای لاتین (از عهد پیوسته) و فرقی نباید آورد . در ضمن صادر میانه درم قوای دیکتاتوری در یونان درام ضمیمه فراموش کرد . و این فرست پایان ناپذیر است . با این همه ، سازمان ملی - در صورت های خوب که این همه همراه دارند تجاوز نظامی خود به پاکستان را انجام حقوق بشر توجه کنند - حتی کوچکترین کاری برای مهار این تجاوز است ، چه رسد به پایانی دادن آن ، انجام ندادند . شکی نیست که سیاست حربه امریکایی ، این روزها با یک شرمی هر چه کمتر اقوامی گفته که قرارداد صلح در مورد حقوق بشر را بتوانند سدهای هم سان در جهت محو سوزی به کار گرفته اند . درست به با اینکه که در زمان نیکسون و کینگر از "درق برونه چین"

عیه سؤردی دان " بگ برنده سؤردی " عیه چین ، در جنب و تمام استفاده کردن . بهین ترتیب سیاست بازی های نالکانه ای
 قدرت های بزرگ با همکاری هر چه قاتر بصورت جری برای حقوق بشر - مهم بصورت دست چین - ناسن داده می شود . بطور مثال
 در صلیب جنگی کا سود بطور جدی بعنوان غاصبی در حقیقت حقوق بشر توجیه گردید ، " دموکراسی کا غروب " (نامی که دست دارند
 بر خود نهند) در حقیقت یکی از ظالمانه ترین موارد نقض حقوق بشر یعنی کشتار جمعی کرد که توسط دولت ترکیه یا در مورد کشتار جمعی
 در نا بودی یک میلیون انسان در رواندا ، کومبوری و قتل های نکرده . در بازم مورد دیگری از نقض هر سگ حقوق بشر وجود دارد و
 آن هم مرتکب میلیون کودک عراقی در ضیوع محاصره نظامی - اقتصادی امریکایی علیه عراق است که سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ داد
 فزونی کامل از سوی کشورهای متهم امریکایی بر آن قوت تأیید می زند . تا زمانی که روابط قدرت واقعی سیاست های جهانی
 است حقوق بشر را بر یک پیشینه تبدیل می کند ، هیچ کسی نخواهد توانست سازمان ملل متحد را بعنوان حافظ حقوق بشر جهانی بشمارد .

کالیسی : نقش ایالات متحده در ایجاد ادعای حقوق بشر چیست ؟ در مورد آریزنا - اردو چه فکری کنید ؟

مزارعی : پس از فروپاشی سؤردی ، امریکایی بعنوان تنها ابر قدرت نظامی ، سیزده گانه جهانی پیدا کرده است . ^{امریکا} در ۱۹۶۹ کشور
 پانزده ای نظامی خود را حفظ کرده و بر ناتو - کرده افری کرده های ^{سازمان بین} خود را به عنوان یک نیروی جهانی خود مشروطیت بخش
 به استثنای ^{سازمان بین} - متحد کاملی دارد . علاوه بر آن بیان های نظامی امریکایی در شرق ، بویژه " بیان اینتی میان ژاپن و ایالات متحده " ^{سازمان بین}
 وجود دارد که بازم بطور مستقیم بعنوان یک " نیروی جهانی مشروع " که با تمام کالی بی قانون پس از این که در آن کتب محکوم شده است که

به استثنای ^{سازمان بین} : عید ایالات ، نمی تواند بعنوان یک راه حل با براد در نظر گرفته شود . چرا که سیزده گانه جهانی امریکایی - یا به زبان
 قدری کمتر مانند استروپ تا بولت ، " قدرت فائده ایالات متحده " - آنگونه از تعدادی با لغو ، بنظر آید است . در همین ترتیب جنبه
 این تعدادی عیسای اروپا در " سیزده " امریکایی با چین است . زیرا اقتصاد دانان لیبرال اکنون بیشترین عیسای می کنند که تا سال ۲۰۲۰
 اقتصاد چین سر برابر اقتصاد ایالات متحده خواهد شد . " گروه فشار ضد چین " در ^{ایالات متحده} پیش از هر زمان دیگر فعال است . تا جایی
 که در بار یوجینی کارول - رئیس مرکز پژوهش نظامی که یک مرکز پیش گیری مستقیم است - را بر زمین میارند که بگوید : " در اینجا

از چینی فومی دیو میزند که پرسش نشانی دادن آن کشور، عنوانی خطرناک و دردناک است. صحبت با نماینده‌ی غیر در مورد دارد کردن

"مزایای پتی گیری کنند" بر چینی میورد.

مطرح بر زبان در مهم ظاهر بیرونی، تضاد منافع واقعی و جعلی میان دیپلمات صحت، دارد با غیر نابینا فراموشی کرد. حتی اگر

دیپلمات صحت، در کوتاه مدت قانده ادعای بیست سلطی خود بر اروپا بسته، این تضاد ناچار در آینده تشدید پیدا خواهد کرد. خود

اروپا نیز درگیر تضادهای درونی است. هر ساله ^{نشانی} تری آن در حال حاضر، کوشش غرب محافظه کار انگلیس در منفر کردن "اتحادیه اروپا"

مغز یک موجودیت سیاسی و حضوری آن تنها به شکل یک منطقه تجاری مشترک است: سیاستی که هم اکنون در انگلیس از اکثریت برخوردار است

پیروزی غرب محافظه کار، در این باب اخیر مربوط به پارلمان اروپا نشانی و واقعیت بود. اما بازم، کوشش در ازم گسختی

صحت اروپایی، با وجود اینکه فشار برای همکاری در آنها در انگلیس بجه درگیر کشورهای اروپایی افزایش خواهد یافت، موفق نخواهد شد.

پس در خارج نشانی یک تضاد مؤثر دار (تینیک) نظام میبند که در آن، نه تنها ^{در جهت} همکاری ^{در جهت} ادعای به دوسر این کشور و

نه برقراری فومی ضد سیونی از کشورهای عضو شده است. بجان اینکه هر یک از این کشورها پس از گسختی جهات ازم بتوانند بطور مستقیم

با خود را چنین گیرند نیز وجود ندارد. برای حل این تضاد و برقراری ارتباط میان جماعت بی درجه، نیاز به شیوه ای بسیار متفاوت

دارد که است که شکافهای بر طرف ناشی از نظام سرمایه بازار میورد.

کامیون : آیا چنانچه میوآرد بهمین سیاره، اکنون به پایان "روایت عظیم" رسیده ایم؟ آیا پیشانی بزرگ برای جهانی است

به پایان خود رسیده اند؟

مزاوش : صحبت میوآرد در باره "روایت عظیم" (Grand Narratives) و "گفتن ای کوچک" (Little recite)

به پیروی از متفکرین محافظه کار که بریت ای درازی، بر تنها روشی شدنی و مشروع، یعنی تغییر نام کم "تایید میگردند -

شیوه ای او برای سازش و نظام صام در روی گرداندن از گذشته ای سوسیالیسم با بر بریت خودش بود. به این میبندد

در بادی نشاندگان نگاه کنیم ، خارج دید ، که خود ، بنیان خویشی راست می کنند . زیرا بدون یک چارچوب فرایم ، در موردی
(پرتو آبی) ، چاره ای که گفتان های کوچک در دل این جایی می گیرند ، به هیچ رو تعیینی بر آن نیست که بنیاد "کم کم در می آید"
جایی است که بجز به نتیجه ای نرسد ، یک فاصه بزرگ تبدیل نگردد . لیونارد کوئن کرد از طریق کامپیوتر یک اداره ای گما
در شهرک ایوردن (Yverdon) که قرار بود یک کار عمومی و دولتی مردم محل در آن ثبت کردند ، یک پارادایم [مردان
فکر در دوران ساز] - یا به بیان دقیق تر یک فضا - بسازد . ناگفته پیداست که این کامپیوتر دوران ساز حق
نترانست - کوچکترین تأثیری برای مردم شهرک ایوردن داشته باشد ، آنجا رسد به اینکه بر تمام فرانسوا اثر گذار باشد . چرا ؟ چون
بعضی که شاید روش ایده آل برای ثبت یک کار عمومی یک محل بر قرار کنید ، این کار مجوزی بود ، حتی در رابطه با فرانسوا ای تعیین کردی
در سطح آن حکومت محلی ، هیچ معنای تأثیری نخواهد داشت ، بجزیم از مردم ارتباط با بقیه فرانسوا و با فرانسوا ای تعیین کردی
سلطه با قدرت که خود فرانسوا نیز تأثیر آن قرار دارد . این سلسله در "عصر جهانی شدن سرمایه" حتی پیش از پیش صادق است

از این رو ، نیاز به گونا گونا گوی فرایم و جابج - بر راه ، میانجی های شدنی آن بصورت شیوه های عملی دیده در تمام سلطه ،
از "عوز های کوچک" باز تولید جهانی گرفته تا بازاری سلطه عبودیت ملی در فرانسوی - بهیچا به اندازه امروز وجود ندارد .
در خارج نیاز به تأکید بر یک چیز دیگر نیز هست : در حالیکه باید گوش بزرگ عزت سبکی باشیم که در این پدید آمده اند و باید با تمام
قوانین متوجه با اینها برخورد کنیم ، تا فنی کردن این تهاوی کافی نیست . بیان به سفاک بریل مثبت داشته ، با جزئیات آن
تأخذ میکنی ، به همان اندازه ضروری است . چرا که تعیین به سفاک دشمنی برت مورد نظر فضا است جهانی ، اثری حیاتی بر امکان
پروزی این فضا است ما خواهد داشت . از این جهت داریم که بگوئیم ، درسی که در درونک زندگی بطنی سلطه نسبیست در واقع موجود است -
- نظامی که در هر حیات خود را از این عوامل و تأثیرات منفی بود - این سلسله را باید به اندازه کافی روشن کرده باشد . پس ،

به این دلیل نیز تنها دوران "بیش از کافی برای جایی بهتر" به سر رسیده است بلکه به نفسی این امروز در دستور کار تاریخ قرار دارد .

کافیس : معنای چپ " چه آورد و چه در آینده چیست ؟
 مترادف : شیء یا که چپ " نام خود را بست آورد مشروط به شرایط تاریخی بود . چیزی مانند ریخته گری درست است جاده یا با رانندگی درست چپ است
 باری نیز در محدودگی ، در یک طرف در تمام است جاده رانندگی می کنند متواتر با تفاوت بود چرا که در میزان سرعت و در نحوه راه پاشی که
 در یک راه نهدان آهسته گیر خواهد کرد . اینها که بسته لای می کنند در تفاوت های میان چپ " در جهت " جهت میزنند به ما
 به قولی که میان ترافیک هادی - حق در شرفا حق که عنوان تو می است - با یک راه نهدان همانند که است جودمان است کرمیم ، فرقی نیست
 بر تمام پانزده سازی های صحنه خانج عظیم - که در تعداد با خود میزنند بر این عصبه باشد که چپ " یک نا بنگای تاریخی است
 اما جهت جزیلی در ترمیم اسم یک پیش حد در هر منقعی است - چپ (یا به عبارت دقیق تر اذوع نردکای چپ) به موجودیت خود ادره میزند
 چپ در این ادراک منتهی مزاجت بهره ای شده است ، اما بازم چون عاری در چشم نظام حاکم رجعی مانده است . در افرین کنونی
 " خوب کار رفتی " - که لژی بسیاری از جهانی نزدی شده ای آن هنوز چپ مانده اند ، اما یکس این خوب را نباید به چپ بودن متمم کند -
 بهای تو به بر علوم دشت که " عیبی فله کاری است و چپ " مبارزه خواهد کرد . منظور ادبیاتی بود که چپ مبارزه خواهد کرد چرا که
 رهبری فیض تو است اینرا یک حذف کند . طبیعی است که چپ سیاسی بسیار گسترده تر از این چیزی است که در اجاب سیاسی دولیات
 سابق متواتر است . امروز ^{نیز} چپ به معنای ارادته دهنده ای اکثر متواتر در برابر نظام حاکم است . پاره پارگی و تجزیه چپ
 در حال حاضر مانع بهره ای بر سر راه دخالت سوادین میزد در زمینه های سیاسی حاضر است .
 آنچه در مورد سبزه جوان گفت اینست که سخن گری چون سخاری نظام سراج ، لاجرم چپ را باری جانی تاریخی
 رد بود خواهد کرد که : چنان راهبرد (استراتژی) جامع و دنیای تمیز کند و عمل آورد که بتواند راه بدون رفتی از گرایش های
 ویرانگر نظم جهانی کنونی فرار راه بشریت قرارداد . آنچه را با چنان قلمی می توان گفت این است که ^{رابطه} ~~رابطه~~ در هر
 شکل و حیثیات موجود یا بالقوه ، چینی راهبردی به ما عرضه نکرد ، و می کنند .

میان

نیازیہ یک بدیل و ادیکال